

تاریخ نشر | د خپږیدو نیټه: 26.04.2012

## ابلاغیه

## هیئت اجرائیه تشکیلات مؤقت انسجام اعضای حزب وطن در خارج

اپریل ۲۰۱۲

در تداوم تاریخی مداخلات خارجی در کشورما، بخصوص در بستر جنگ سرد و همین اکنون نیز که این مداخلات تحت پوشش مبارزه علیه تروریزم بین المللی ادامه دارد، تجارب مؤید آن اند که قدرت های جهانی از طریق نفوذ در ساختار های سیاسی، نظامی و استخباراتی افغانستان، بعضاً با حضور مستقیم سیاسی - نظامی و چه بسا با استفاده از تمایلات سلطه جویانه کشور های همسایه - بخصوص پاکستان و ایران - افزار این مداخلات را تدارک نموده، مورد استفاده قرار داده اند.

بعد از ختم جنگ سرد و فرپاشی اتحاد شوروی، ایالات متحده امریکا که خود را بمشابه ابر قدرت پیروز درین معرکه می پنداشت، تعریف منافع اش را در عرصه جهانی گسترش داده و بر مبنای آن، دستیابی به اهداف جدیدی را در آسیای مرکزی و جنوب آسیا مطرح و بنابر اهمیت این اهداف، تمایلات مبتنی بر حضور مستقیم سیاسی و نظامی اش را - با نفی پاکستان از موضع افزار و واسطه نفوذ خویش - در جغرافیای با اهمیت استراتژیک افغانستان (این قلب به بحران کشیده شده آسیا)، تبارز داد. بادرک همین تمایلات بود که حلقهات نظامی حاکم بر پاکستان با نگرش عمق انحصاری استراتژیک کشور شان بسوی افغانستان، در برابر این تمایلات عکس العمل نشان داده و به استخبارات نظامی آن کشور (آی. اس. آی) وظیفه سپردند تا به مشابه اقدام بدیل و فکتور تهدید، به تدریج و متناسب به تشدید و تعمیم تمایلات متذکره ایالات متحده امریکا، روابط و همکاری خویش را با استخبارات اتحاد شوروی (کا. جی. بی) آغاز نماید. این همکاری ها بعداً با سازمان استخبارات جانشین آن (اداره استخبارات فدراتیف روسیه) گسترش یافت.

همکاری های دو سازمان جهنمی ضد افغانی فوق، در ضدیت با پلان پنج فقره بی سرمنشی سازمان ملل مؤرخ ۳۱ ثور ۱۳۷۰ (۲۱ مارچ ۱۹۹۱) - که افغانستان را از دایره نفوذ انحصاری اتحاد شوروی آن وقت و به نفع تامین روابط متوازن این کشور با قدرت های جهانی، بیرون می کشید - آغاز و در بستر اقدامات بمنظور تضعیف دولت جمهوری افغانستان در همدستی با شریک سوم (اداره اطلاعات ایران) ادامه یافت. همکاری های سازمانیافته شرکای متذکره، جهت سبوتاژ و ناکامی پلان صلح ملل متحد، با سفر هیئت مجاهدین به مسکو تحت ریاست برهان الدین ربانی مؤرخ ۲۰-۲۴ عقرب ۱۳۷۰ (۱۱-۱۵ نوامبر ۱۹۹۱) و توافق «طرفین» به «لزوم انتقال

تمام صلاحیت های دولتی ... در افغانستان به حکومت انتقالی اسلامی - ماده دوم اعلامیه مشترک»، تکامل نموده و با تحریک بغاوت شمال و شکل گیری ائتلاف متشکل از جمعیت اسلامی، حزب وحدت اسلامی و نیروهای ستون پنجمی وابسته به استخبارات اتحاد شوروی، پاکستان و ایران در درن دولت جمهوری افغانستان و حزب وطن، سقوط نظامی دولت جمهوری افغانستان به وسیله آنان و انتقال قدرت به حکومت ساخته شده در پاکستان، به اوج خویش رسید.

وجود و همکاری مشترک قنصل آن وقت شوروی در مزار شریف (میخائیلوف)، همچنان جنرال کا. گی. بی بنام حارث شاه با گماشته آی. اس. آی پاکستان (آزاد بیک) و نجفی افسر عالی رتبه سازمان استخبارات جمهوری اسلامی ایران در ولایات شمال افغانستان و سازماندهی عملیات مشترک با حضور آنان و بوسیله گماشتگان افغانی شان در سقوط شهر مزار شریف و مراکز سایر ولایات شمال افغانستان و سرانجام در کودتای ۲۲ حمل ۱۳۷۱، در بستر همین همکاری ها تحقق یافت.

بعد از ناکامی پلان پنج فقره بی سرمنشی سازمان ملل، سقوط حاکمیت جمهوری افغانستان، تعمیل توطئه فروپاشی حزب وطن و انتقال قدرت به حکومت ساخت پاکستان است که رقابت پاکستان، ایران و روسیه فدراتیف بمنظور دستیابی به حداکثر منافع شان آغاز و جنگ قدرت بوسیله و در میان گماشتگان افغانی شان ادامه می یابد که در نتیجه باعث بکارگیری و استیلای سیاه اندیشه ترین و سیاهکار ترین لشکر پاکستانی (طالبان) بوسیله آی. اس. آی آن کشور، با تمویل مالی القاعده گردیده که در انکشاف وضعیت، افغانستان به مرکز سازماندهی غیر قابل کنترل جهت عملیات ترورستی در عرصه جهانی مبدل گردید و برخلاف خواست پاکستان، ایران و فدراتیف روسیه، بهانه برای حضور ایالات متحده امریکا و کشورهای عضو پیمان نظامی «ناتو» را در افغانستان تدارک و انکشافات کنونی را باعث گردید.

یک مرور کوتاه بر وقایع بیست سال گذشته و نقش نیروها، حلقات و افراد مشخص و معلوم الحال متذکره درین وقایع، این حقیقت مسلم را با وضاحت تمام تائید مینمایند که مجموع گرایشهای و مواضع مؤقتی، نوسانی و غیر عادی این گماشتگان، مبتنی بر مخاصمت ها، ائتلاف ها و اتحاد های ذات البینی شان، یا هم سکوت و وارد عرصه فعالیت گردیدن آنان نه طبیعی و نه ناشی از ماهیت و ضرورت های درونی وضعیت خودی آنان و به نفع کشور، بلکه بنا بر منافع تمویل کنندگان متذکره و بر اساس وظایف تفویض شده از جانب آنان صورت گرفته و صورت می گیرد.

مبارزه علیه حزب وطن، اندیشه های سیاسی این حزب و نقش اندیشه بی و سیاسی ماندگار تاریخی رهبر و بنیان گذار این حزب (شهید سرافراز وطن دوکتور نجیب الله) یکی از وظایف تفویض شده فوق به این نیروها، حلقات و افراد گماشته شده در جریان همین بیست سال گذشته است. فروپاشی حزب وطن با تعمیل توطئه ذو جوانب و استفاده از ستون پنجمی های درون این حزب در تحقق آن، راه اندازی ترور شخصیت های طراز اول مؤثر این حزب، جلوگیری از انتقال پذیرفته شده رهبر حزب به هندوستان بوسیله سازمان ملل در حمل ۱۳۷۱ و

تحمیل پناہگزینی ایشان در دفتر سازمان ملل در کابل، حملہ بر حریم دفتر مذکور و شہادت رہبر حزب، دوکتور نجیب اللہ و برادرش جنرال احمدزی در میزان ۱۳۷۲، تبلیغات سازمانیافته دروغین بمنظور مسخ واقعیت های بوقوع پیوستہ تاریخی، تعمیم تجزیہ حزب و وطن بہ پارچہ های کوچک در پروسہ ضرورت ہمگرایی و انسجام دوبارہ اعضا و حضور مجدد این حزب بمثابہ یک نیروی تاثیر گذار بر وضعیت سیاسی کشور و دامن زدن نفاق و تحریک تبلیغات خصمانہ علیہ ہمدیگر، نمونہ های بارز عملکرد مؤطفین مذکور، در ضدیت با حزب و وطن، طی بیست سال گذشتہ اند.

اکنون کہ در تداوم تلاش های پیگیر اعضای حزب و وطن در پروسہ انسجام مجدد و در وضعیت مساعد کنونی، ضرورت حضور مجدد و فعال حزب و وطن در وضعیت سیاسی کشور با تدویر مجمع عالی مشروع این حزب، در دستور روز ساختار های سیاسی منسوب بہ حزب و وطن قرار دارد و کمیون عالی تدارک و تدویر مجمع عالی حزب و وطن بمثابہ عالیترین ارگان مشروع با صلاحیت، ہمہ اعضای حزب و وطن را بہ شرکت فعال در درین پروسہ دعوت نمودہ و این دعوت ہمگرایی وسیع اعضای حزب و وطن را بخصوص در داخل کشور باعث گردیدہ است، دیدہ شد کہ مراکز شیطنی ضد افغانی بہ ہراس افتیدہ و توأم با این ہراس، افزار زنگ زدہ شان را بعد از سکوت طولانی دستوری، یک بار دیگر وارد عرصہ تبلیغات سازمانیافته ہمزمان و یک زبان نمودہ، تا ہزیانگویی های گذشتہ را بہ نحو دیگر و زبان های دیگر تکرار نمایند و بدین طریق موج دیگر از جنگ تبلیغاتی را در میان طیف های متعدد اعضای دیروزی حزب و وطن، این نیروی سیاسی بی بدیل بالقوہ، آگاہ، مؤمن، ترقیخواہ و وطنپرست کشور، تحریک نمایند و فضای ایجاد شدہ شور و شوق برای تدویر مجمع عالی حزب را مختل و یأس و ناامیدی مجدد را بر روح و روان آنان مسلط سازند.

تشکیلات مؤقت انسجام اعضای حزب و وطن - بمثابہ یکی از ساختار های فعال در پروسہ تدارک و تدویر مجمع عالی حزب و وطن کہ ہمیشہ مورد کین و خصومت دشمنان حزب محبوب ما قرار داشتہ و مبارزہ بی ہراس، با افتخار و مؤثر تدافعی را در مواقع ضروری و بمنظور افشای مہیت ضد افغانی این دشمنان مادر و وطن ما و گماشتگان افغانی شان، پیش بردہ و پیش می برد - اینک با درک نیات خصمانہ سازماندہندگان و مجریان موج کنونی تبلیغات و بنا بر رسالت و مسوولیت تاریخی خویش در قبال تدارک و تدویر مجمع عالی حزب، تمام اعضای دیروزی و کنونی حزب و وطن را بمثابہ اعضای خانوادہ واحد روشنفکران متعهد و وطنپرست کشور بہ حفظ ہوشیاری، احتراز از تحریکات متقابل، تبارز گرایش بہ تفاهم، ہمگرایی و اتحاد و تجرید ہرچہ بیشتر افراد و حلقات نامبردہ، دعوت مینماید، تا این ہمگرایی، سیلی محکمی باشد بر روی تمام مراکز منطوقی و فرامنطوقی ضد افغانی، بخصوص ادارہ اطلاعات رژیم آخوندی ایران کہ این موج تبلیغاتی را سازمان دادہ است.

اوضاع عینی مؤید آنست کہ

- حقایق بوقوع پیوسته تاریخی و نقش شهید دوکتور نجیب الله در پروسه آن، اینک این شهید سرافراز وطن را به استوره فناپذیر ملی در تاریخ کشور عزیز ما مبدل نموده است.

- اندیشه سیاسی حزب وطن (اندیشه سیاسی مصالحه ملی) اینک نه تنها به افزار اندیشه بی برای رفع معضلات افغانستان قبول گردیده، بلکه به اندیشه سیاسی جهانی گذار از جنگ به صلح، برای رفع بحران کشورهای جنگ زده نیز مبدل گردیده است.

- علی الرغم تمام توطئه ها، کارشکنی ها و تعلل ها، حزب وطن بعد از مبارزه بیست ساله پیر از فراز نشیب اعضای آن، یک بار دیگر امکان بدست آورده تا با تدویر مجمع عالی و حضور مجدد خویش به نیروی تاثیرگذار بر وضعیت سیاسی کشور مبدل گردد.

هیچ نیرویی ضد افغانی نمیتواند واقعیت های فوق را مسخ و عینیت آنان را سبوتاژ نمایند. کاروان رزم ما توأم با بلوغ، آگاهی و هوشیاری سیاسی، همراه با مردم مان و به هدف خوشبختی آنان، بی اعتنا به صدا های کریح برخاسته از جاسوسخانه های خارجی، طی منزل مینماید.

**هیئت اجرائیه تشکیلات مؤقت**

**انسجام اعضای حزب وطن در خارج**